

بسمه تعالی

- توضیح اینکه کلا هدف اینه که سوره ق رو قرائت کنیم

پس قرآن هاتون رو به دست بگیرید و آیه به آیه همراه بشید.

همچنین در ابتدای این جلسه مبارک، دست طلب رو بلند میکنیم به سوی خداوند که با قرائت سوره ق ما رو با حقیقت وجود مبارک امیرالمومنین آشنا کنه به برکت صلوات بر محمد و آل محمد

- فضیلت تلاوت سوره «ق»

از روایات اسلامی استفاده می شود که، پیامبر(صلی الله علیه وآله) اهمیت فراوانی برای این سوره قائل بود، تا آنجا که هر روز «جمعه» آن را در خطبه نماز جمعه قرائت می فرمود.

در حدیث دیگری آمده است: در هر روز «عید» و «جمعه» آن را تلاوت می کرد.

این به خاطر آن است که روز «جمعه و عید»، روز بیداری و آگاهی انسان ها، روز بازگشت به فطرت نخستین و روز توجه به خدا و «یوم الحساب» است و از آنجا که آیات این سوره، به نحو بسیار مؤثری مسأله معاد، مرگ و حوادث قیامت را بازگو می کند و تفکر در آن تأثیر عمیقی در بیداری و تربیت انسان ها دارد، مورد توجه خاص آن حضرت قرار داشت.

الباقر (علیه السلام)- مَنْ أَدَمَنَ فِي فَرَائِضِهِ وَ نَوَافِلِهِ قِرَاءَةَ ۞ سُوْرَةِ ۞ قَ وَ سَعَ اللّٰهُ عَلَیْهِ فِی رِزْقِهِ وَ أَعْطَاهُ كِتَابَهُ بِیَمِیْنِهِ وَ حَاسَبَهُ حِسَابًا یَسِیْرًا.

امام باقر (علیه السلام)- هرکس در نمازهای واجب و مستحب خود همواره سورهی ق را بخواند، خداوند روزی او را زیاد می کند و نامه ی عملش را به دست راستش می دهد و حساب و کتاب او حساب آسانی خواهد بود.

الرّسول (صلی الله علیه و آله)- مَنْ قَرَأَ سُوْرَةَ ۞ قَ هُوَ نَ لَ اللّٰهُ عَلَیْهِ تَارَاتِ الْمُوْتِ وَ سَكَرَاتِهِ.

پیامبر (صلی الله علیه و آله)- هرکس این سوره را بخواند، خداوند سكرات مرگ را برایش آسان می کند.

الباقر (علیه السلام)- قَافٌ جَبَلٌ مُّحِیْطٌ بِالدُّنْیَا مِنْ زُمْرٍ أَحْضَرَ فَخْضَرَهُ ۞ السَّمَاءُ مِنْ ذَٰلِكَ الْجَبَلِ.

امام باقر (علیه السلام)- ق، نام کوهی است که دنیا را احاطه کرده است، و او در این جمله، قَسَمَ می باشد.

- کلیات سوره و غرض از تفسیر المیزان

این سوره مسأله دعوت اسلام را بیان می کند. و به آنچه در این دعوت است اشاره می کند، یعنی انذار به معاد و انکار مشرکین به معاد، و تعجبی که از آن داشتند که بعد از مردن و بطلان شخصیت آدمی و خاك شدنش چگونه دوباره زنده می شود و به همان صورت و وضعی که قبل از مرگ داشت برمی گردد؟ آن گاه تعجب آنان را رد می کند به این که علم الهی محیط به ایشان

است، و کتاب حفیظ که هیچ يك از احوال خلقش و هیچ حرکت و سکون آنها- چه خردش و چه کلانش- از قلم آن کتاب نیفتاده نزد او است. آن گاه این منکرین را تهدید می‌کند به اینکه اگر به راه نیابند بر سرشان همان خواهد آمد که بر سر امت‌های گذشته و هلاک شده آمد.

و آن گاه برای بار دوم باز به علم و قدرت خدای تعالی پرداخته از راه تدبیری که در خلقت آسمانها و آراستن آن با ستارگان بی حرکت و با حرکت و تدابیر دیگری که به کار برده و نیز تدبیری که در خلقت زمین به کار برده و آن را گسترده و کوه‌های ریشه دار در آن جایگزین ساخته گیاهان نر و ماده در آن رویانیده و نیز به اینکه آب را از آسمان فرستاده و ارزاق بندگان را تامین نموده و زمین را با آن آب زنده کرده است، علم و قدرت او را اثبات می‌کند.

و نیز به همین منظور به بیان حال انسان می‌پردازد که از اولین روزی که خلق شده و تا زنده است در تحت مراقبت شدید و دقیق قرار دارد، حتی يك کلمه در فضای دهانش نمی‌آورد، و از این بالاتر يك خاطره را در دلش خطور نمی‌دهد، و نفسش آن را وسوسه نمی‌کند، مگر آنکه همه‌اش را ثبت می‌کنند. و آن گاه بعد از آنکه مرد با او چه معامله می‌شود و بعد از زنده شدنش برای پس دادن حساب، هم چنان در تحت مراقبت هست تا آنکه از حساب فارغ شود، یا به آتش در آید اگر از تکذیب کنندگان حق باشد، و یا به بهشت و قرب پروردگار اگر از متقین باشد.

و کوتاه سخن آنکه: زمینه گفتار در این سوره مساله معاد است، و یکی از آیات برجسته آن آیه "لَقَدْ كُنْتُمْ فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكُمْ غِطَاءَكُمُ فَبَصُرْتُمْ الْيَوْمَ حَدِيدٌ" و یکی دیگر آیه "يَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ امْتَلَأَتْ وَ تَقُولُ هَلْ مِنْ مَزِيدٍ" و یکی هم آیه "لَهُمْ مَا يَشَاؤُنَ فِيهَا وَ لَدَيْنَا مَزِيدٌ" است.

و این سوره به این دلیل گفتیم مکی است که سیاق آیاتش بر آن گواهی می‌دهند.

و در این آیاتی که نقل کردیم به طور اجمال به مساله معاد و اینکه مشرکین آن را امری بعید می‌پنداشتند اشاره شده، و نخست جوابی اجمالی با تهدید می‌دهد، و سپس به طور مفصل از آن جواب داده، باز برای بار دوم تهدید می‌کند.

• بیان ویژگی‌های کلی سوره

این سوره از معدود سوره‌هایی است که از ابتدا تا انتها مخاطبش عوض نشده و مستقیماً رسول است. پس اساساً غرض را بایستی اولاً برای رسول بیان کرد. در هیچ کجای سوره، خطابش از رسول نچرخیده است.

واسطه همه سطوح حقایق در این سوره، شخص رسول است. و واسطه مجد قرآن برای عالم می‌شود.

علم و قدرت خداوند با یکدیگر از لوازم صفت مجید خداوند هستند.

استمرار و ثبوت حقایق اشتقاق "فعلیل" در سوره

علازغم اینکه این سوره معروف به آهنگ قیامتی سنگین و محزونه، اما بسیار بهجت آور است.

سوره در بیان حقایق است از انسان و حقایق عالم تا خود را با مجد قرآن همراه نموده و بالا برد و انابه رو در انسان ایجاد و تثبیت کنه.

روایت داریم از امام صادق ع در ارتباط با سائق و شهید که میفرماید السائق هو امیرالمومنین و الشهید هو رسول الله یعنی سائق و شهید به منظومه عملکردی بی نظیر دوگانه بهجت آور مجدکننده هستند.

کلا زوجیت‌های زیادی در این سوره داریم که رأس همه اونها سائق و شهید هست.

یکی از زوج سوره های سوره ق سوره بروج است که داشتیم: بل هو قرآن مجید فی لوح محفوظ

یک زوج سوره دیگر هم دارد: سوره مبارکه هود: از جهت منظومه بعید و قریب

➤ خوب حالا یک دور سوره رو مروری بخونیم و نکته های کلی آیات رو بررسی کنیم

● پخش ۵ آیه ابتدایی

توضیح کلمات مجید و عجیب

مجد: هو عظمه فی سعه و علو: یعنی به چیزی که وسعت و گستره ش محدودیت نداشته باشه و هم علو و رفعت در درجات از آثار واژه مجد، عزت و شرف و رفعت و کرم است.

یکی از راه‌های کسب علم و معرفت عملی نسبت به سوره های قرآن، استفاده از ادعیه ائمه اطهاره.

یکی از بندهای دعای جوشن کبیر در ارتباط با مجد:

یا من هو فی عهده و فی یا من هو فی وفائتہ قوی یا من هو فی قوته علی یا من هو فی علوه قریب یا من هو قریبه لطیف یا من هو فی لطفه شریف یا من هو فی شرفه عزیز یا من هو فی عزه عظیم یا من هو فی عظمتہ مجید یا من هو فی مجده حمید

زنجیره اسماء الهی که در ارتباط با مجید داریم: هرجا مجد میاد، باهش عهد و وفا و قوت و علو و قرب و لطف و شرف و عزت و عظمت و حمد هستند. این واسطه ها میتونن حلقه های مفقوده سوره رو برای ما مکشوف کنن: مثال واژه قریب که حتما نظامش با نظام مجد داره کار مکینه و میشه به فهمش نزدیک شد. با چندتا حد واسط

نمونه بارز صفت مجید میشه وجود مبارک امیر المومنین علی ع: به این خاطر که در اوج علو و در اوج سعه هستند.

ظاهرش این شکلیه که وقتی به آدمهای کافر میرسه، از دیدنش احساس مجد نمیکنن، احساس تعجب میکنن. از بیان مجد علی همین بس که میثم تمار که شیفته علی بود رو مجنون میخواندن

میگفتن: مگه میشه هرچی میگی علی راجع بهش میدونه و بالاترش رو میگه. یا چرا همه اعمالش مطابق عدل و انصافه.

ما آدمها وقتی با آدم مجید روبرو میشیم، اگر بهش از قبل ایمان نداشته باشیم، احساس تعجب میکنیم. البته تعجب از عجب میاد.

اگر انسان عجب درونش باشد، در مواجهه با انسان مجید، بجای اینکه احساس شکوه بکند، احساس تعجب میکند.

پس سوره رو میشود با منظومه عجب و تعجب هم خواند.

داستان مأمون و امام رضا؛ هرچی بحث میکردن و تو هر زمینه ای ازش سوال میپرسیدن صاحبنظر بودن. این مجد امام اونجا خیلی بارز شد. مأمون شک کرد و گفت بذار امام رضا رو آزمایش کنم ببینم بالاخره کجا تموم میشه دامنه علمش.

اما غافل از آنکه هرکی، قرآن دستش بگیره مجد پیدا میکنه.

اما مجد که، در واقع مجد قرآنه؛ من بناست بتونم استفاده کنم از مجد قرآن. اما چه صفتی موجب میشه تا من در نظام مجد قرآن جا بشم و بتونم ازش بهره مند بشم و مجد داشته باشم، صفت انابه است.

بعید و حفیظ

مریج، با صبر و حرکت به سوی حقیقت هماهنگه؛ و همینطور با حقیقت امر مریج در ارتباطه از این جهت که اینقدر آسمانش بزرگ و وسیعه که اگر متصل بهش نشه، دچار اضطراب میشه.

➤ خوب خدایا قرآن مجیدت رو معرفی کردی.... قبول... من چیکار کنم که حقیقت مجد این قرآن در من شکل بگیره و

من ججوری بفهممش.

● بخش آیات ۶-۸

توضیح سماء و بنیانش (رفعتش) فروج نداشتنش از جهت مجید

توضیح ارض و گستردگی و محکمی اون در عین حالی که هر زوج بهیجی از آن میروید.

توضیح عبد منیب و انابه:

برای بهره مندی از مجد قرآن، صفتی که لازمه در ما شکل بگیره، صفت انابه است.

انابه: هو نزول مع اختیار و قصد فی محل؛ و انابه به باب افعال میشه فرود آوردن. انابه به معنای اینه که کسی نفس خود را فرود بیاورد و در منزلی از منازل سلوک به سوی خدا قرار دهد و این به معنای آماده شدن به صورت عملی و در خارج به سوی خداست و بشری و ذکری و تبصره و تقوی هم بر همین آمادگی مترتب است. آگه این آمادگی نباشه، اونها محقق نمیشه.

انابه آماده سازی نفس است برای اینکه ذکر و تبصره و بشارت برای انسان فایده داشته باشد. یعنی نفس مستعد شود.

بزرگان اولین گام سیر و سلوک رو انابه میدونن. یعنی اینکه نفس رو در شرایطی قرار بدی که استعداد پذیرش ذکر رو پیدا بکنه.

جالبه که همینجا با نظام ذکر هم کار میکنه.

در این سوره هم عبد منیب داریم و هم قلب منیب.

بسیاری از صفات منفی که در این سوره آمده، مثل عنید، معتد، مریب، مناع للخیر، همه واژه هایی هستند که انابه رو از بین میبرن. پس دیگه تبصره و ذکر کارکرد نداره و پس از اون، قرآنی که باید مجید ببینیش، برات عجیب میشه. و تکذیب.

سوره ق این جوریه که قرآنی رو ترسیم میکنه که مجیده و انسان باید برای بهره مندی از مجد قرآن، انابه داشته باشد. سوره سعی میکنه با برطرف کردن موانع انابه، انابه رو فعال کنه تا این دستگاه، بیفته روی دستگاه مجد قرآن و انسان رو بالا بیره.

این سوره آمده است قرآنی را که هر جا بروی، دست بالای همه دست هاست، این رو تبدیل کنه به ذکر. یعنی نسخه مورد استفاده زندگیت رو از روی اون بخونی. البته این برای کسیه که انابه داشته باشه. انابه هم اینگونه روشن میشود که خوف از وعید (تهدیدهای آخرتی) داشته باشد.

➤ خوب حالا عبد منیب چه شکلیه؟

• پخش آیات ۹-۱۱

دانه و رشد دانه

انگار این دانه تمثیلی است از انسان، یک دانه میشه جنات، یک دانه میشه حب الحصيد، یکی میشه نخل باسقات

انگار بعضی انسانها در همین شرایط و بستر زندگی میکنن ولی نتیجه کاملا حیرت آور و متفاوت میشه.

رزقا للعباد و احیانا به بلده میته. حتی بعضی از این انسانها خودشون میشن رزق برای عباد خدا و احیای زمینهای مرده

خیلی اقوام در گذشته آمدند که چون تکذیب کردند رسل را، زمین موندن و نتیجه ای ازشون حاصل نشد.

نخل و امیرالمومنین

➤ سؤال بعدی اینه که اصن چی میشه که آدمها انابه پیدا کنن؟ و اکثر آدمها انابه پیدا نمیکنن.

• پخش آیات ۱۲-۱۵

ذکر و وعید؛ خود همون ذکر که رسول منذر برایشون آورد، وعیدشون میشه برای عذاب

موضوع وعید که بجای اینکه روشون اثر بذاره و اونها رو متذکر کنه، خودش شد عذاب تکذیب کنندگان

➤ خوب خدا چون اینایی که تکذیب میکنند... در اصل دارن چه چیزی رو تکذیب میکنند؟

● پخش آیات ۱۶-۲۲

انسان همواره دو جهت راست و چپ داره و دو فرشته نگهبان این مسیرها را برای او آماده کردند.

تا قبل از این، یه محیط بود، یه انسان بود و یه حق

دیدیم که یسری از این انسانها میکشن میرن بالا و بقیه میمونن، برامون سوال شد که تفاوت اینا باهم چیه.

خدا میگه تفاوت توی وجود ایناست.

توی وجود ما، اولاً یکی هست که میگه من از رگ گردن نزدیکترم.

بعد میگه یکی راست نشسته ، یکی هم چپ نشسته.

از خودمم چیزی بیرون نمیره مگر اینکه یک رقیب عتیدی اینجاست.

شاید الان آدمها خوب نفهمن این اجزای داخلی خودشون رو، اما یه زمانی هست که خووب میفهمیم این اجزاء رو.

یک سائق و شهید هم که داریم.

انگار تو وجود ما همه این اجزا هستند.

قطعاً همه ازش غفلت داشتن، آدما فک میکنند تو خودشون خلوت وجود داره. یه جایی پرده برداشته میشه و چشم ها میبینن

این آدمها، نوعاً با حس بینایی و قوه بصر تشخیص به حق بودن و رسول بودن میدن... یعنی اساساً به چشمشون اتکا میکنند

و اگر با چشمشون نبینن یه حقیقت رو... قبولش نمیکن... واسه همین رسولی که از خودشون باشه رو باور نمیکنن در قالب

یک حقیقت فرازمینی که مندر خودشون باشه

اما خدا اینجا چشم انسان رو به حقایقی باز میکنه که غیب رو باور کنه و مندر منم رو بتونه متصل به نظام مجد ببینه.

کیفیت خلقت انسان و همه موجودات و ملک های دور و برش

ملاقات انسان با ذکر بودن قرآن همانگونه که فرشتگان متلقی اعمال او رو مکتوب میکنند و بعداً باهاش روبرو

مرگ و فرار از آن، نتیجه تکذیبی است که از وعید و ذکر داشتن

ملک سائق و ملک شهید و زوجیت این دو موضوع

موضوع غیب و ایمان به غیب...تیزی چشم انسان در قیامت بواسطه برداشته شدن پرده های غیب

➤ خوب خدا یا...بر چه مبنایی میخوای مارو در اون موقف قیامتی، حساب کتاب کنی و بسنجی؟

● بخش آیات ۲۳-۳۰

وعید؛ همان مبنایی است که دعوی انسان با قرین خودش رو حل می‌کند.

موضوع دعوی انسان با قرین خودش در مورد گمراهی و چرایی گمراهی

مریب بودن آدمهای کافر رو خدا در مقابل اینکه اینها نمیدیدن قرار داده؛ یعنی میگه تا به چشم خودم نبینم باور نمیکنم.

واسه همین میرفتن بت میساختن برای پرستیدن

موضوع پر شدن جهنم و گفتگوی آن با خداوند؟!

حکایت از جاندار شدن حقایق بی جان در نظر ما داره... همینطور نزدیک شدن بهشت به متقین نه برعکسش

➤ خدا یا... متقین در عرصه قیامت کی هستن و چه ویژگی‌هایی دارن؟

● بخش آیات ۳۱-۳۵

غیر بعید... بخاطر اینکه اونها در دنیا بهشتشون رو نزدیک میدیدن... و اون حقیقت رو به خودشون نزدیک میدیدن.

خشیت از رحمانیت خداوند؛ جلوه ای از انابه

بالغیب؛ اینکه انسان باورش رو هم به دیدنی‌ها زیاد کنه و هم به ندیدنیها؛ و اون چیزی که سبب نجات میشه غیبها هستن.

قلب منیب... یعنی عبد منیب در اصل باید قلبش رو آماده کنه تا دریافت کنه حقایق رو... ولی بعد از خشیت از رحمانیت

خداوند و ایمان به غیب

موضوع مزید بودن نعمتهای بهشتی برای متقین و مزید بودن کفار برای جهنم؛ انگار میشود سوره رو از این زاویه هم قرائت

کرد...

➤ ذکر اهلاک قرون گذشته برای چگونه باید حاصل بشه

● بخش آیات ۳۶-۳۷

پس یک نوع نتیجه گیری از سوره همیشه اینکه: ذکر سرنوشت اهلاک اقوام گذشته برای ما زمانی اثر میگذارد که یا قلب داشته

باشه انسان؛ که همیشه همون قلب منیبی که آماده شده برای دریافت حقیقت...

تازه اقوام این سوره، همگی اشدّ بطشاً بودند؛ یعنی وجه قوی بودن اونها مد نظر بوده که مورد عتاب هست و ایجاد تبصره و

ذکر می‌کند.

نقب در بلاد، جنبه اجتماعی داره؛ یعنی اولاً همه تحقیقات و تفحص های خودشون رو انجام داده بودن

ثانیا اینها سرزمین های خدا رو حسابی زیر و رو کرده بودن... شبیه لودرهای خانه سازی و راه سازی

یا گوش بده درست، ولی گوش دادنی که شهود کنه در حقیقت؛ نه فقط دوباره به دنبال عینیات کلام باشه

علت اینکه خداوند اینجا سمع رو آورده، اینه که سمع نماینده اون حواسی هست که در مقام طلب حقیقت از راه پرسش و پاسخ و قرار میگیرند.

اون احیای ابتدای سوره هم با همین قلب مرتبط میشه که سوره ق در مقام احیای قلبهای مرده ماست که تازه قلب پیدا کنیم که اهل ذکر بشیم....

➤ خدایا حالا از مون چی میخوای؟ چه عملی؟ خوب حالا پیامبر در مقابل انسانها باید چه رویکردی داشته باشه؟

● پخش آیات ۳۸-۴۵

آیات انتهایی سوره؛ این آیات خاتمه سوره است، که در آن رسول خدا (ص) را دستور می دهد که در برابر آنچه می گویند و نسبتهایی که می دهند صبر کن.

انگار نماز اون امری است که انسان رو صبر میده در نظامات حقایق به سوی مجد خداوند...

ما مسنا من لغوب؛ منظور از قدرت خداوند است.

صبر پیامبر؛ اگر اینجا این امر رو در مقابل اوامر سوره مزمل بگذاریم، انگار خداوند رسول رو خبر میدن از اینکه باور حقیقت مجید بودن قرآن و مجید بودن رسول برای بشر به صورت عمومی سخته... پس در مقابل این مفهوم... امر صبر اولی است.

صیغه فعلی که با استمرار و ثبوت همراهه هم اینجا به نوعی قرین میشه با صبر پیامبر

تسبیح قبل طلوع الشمس، تسبیح قبل الغروب، و تسبیح من الیل، و ادبار السجود

انگار اینجا با این شکل از بیان نماز، نماز رو به تسبیح خلاصه کرده خداوند...

ثانیا اوقات نماز رو هم فرموده...

ثالثا کیفیت نمازهای یومیه رو هم فرموده...

دعوت به قریب شنیدن ندای منادی و روز ندا را؛ شاید بهمین دلیل رسول الله در نمازهای جمعه اینگونه برای مردم سوره ق قرائت میکردن.

بالاخره به روزی میرسه که صدای منادی رو از یه جای نزدیکی بشنویم.

هر کس منادی را قریب دید، پس مرد قبل از آنکه بمیرانندش.

موضوع سمع صیحه در این روز در مقابل استماع رسول الله در دنیا

خروج انسانها از گورها اینجا شبیه به خروج حب از زمین شده...

شاید بشه اینجور تعبیر کرد که انگار روزی که یوم الدین هست، یعنی اینکه هرچیزی به تمامه آنجا اقامه میشود.

یعنی روز خروج واقعی، همین روزه و آدمها به معنای واقعی زنده میشن

و خداوند فاعلیت خودش رو در مورد احیا و اماته انسانها میگیره

موضوع صیر؛ به عنوان یکی از موضوعات کلی سوره؛ انگار از زاویه ای، غرض سوره صیر انسان به سوی حقیقت مجد خداونده.

خوف از وعده، موجب میشه انسان از قرآن تذکر بگیره؛ بنابراین خوف از وعده، میشه زمینه ایجاد انابه در وجود انسان تا بتونه از قرآن متذکر بشه.

البته زمانی این خوف از وعده در وجود انسان شکل میگیره که علم خداوند رو نسبت به اقوال خودش باور کنه.

نظام واژگانی که میشود سوره را با همه آنها مطالعه کرد:

مجد و انابه، قرآن، حق، عجب، انابه، قلب، سمع، بصر و تبصره و شهود، ذکر، سائق و شهید، زمین و آب و آسمان، اواب حفیظ، تسبیح و سجود و نماز، قول

برای جمع بندی بحث جلسه، یکبار سوره رو با سائق و شهید بخوانیم...

حضرت علامه در تفسیر المیزان فرمودند که کلمه "سیاقه" که مصدر "سائق" است، به معنای وادار کردن حیوان به راه رفتن است، که در این صورت راننده در عقب حیوان قرار دارد، و حیوان را می راند. به عکس "قیادت" که به معنای کشیدن حیوان از جلو است.

و معنای آیه این است که: هر کسی در روز قیامت به محضر خدای تعالی حاضر می شود، در حالی که سائقی با او است که او را از پشت سر می راند و شاهدهی همراه دارد که به آنچه وی کرده گواهی می دهد.

گفتیم از امام صادق ع روایت شده در ارتباط با سائق و شهید که میفرمایند السائق هو امیرالمومنین و الشهید هو رسول الله

برای هدایت بشر؛ رسول میشه سائق، کتاب میشه شهید

ذکر میشه سائق، قرآن میشه شهید

منذر میشه حقیقت شهید، سائق میشه وعده

که باید خوب نظر و شهودش میکردن، اما همون میشه شاهدشون بر عذاب.

برای حَب؛ آسمان همیشه شهید، زمین همیشه سائق

درون حواس انسان؛ سمع همیشه سائق، بصر همیشه شهید

برای دریافت ذکر؛ قلب داشتن همیشه سائق، القای سمع و شهود همیشه شهید

ملک های حرکت دهنده و هدایت کننده انسان به موقف قیامتی هم می‌شن سائق و شهید

سوره رواز منظر قریب دیدن و بعید ندیدن هم همیشه قرائت کرد...